تمدید خودکار کارت‌های ملی هوشمند

هاشم کارگر، رئیس سازمان ثبت احوال: اعتبار برخی کارت‌های هوشمند ملی صادرشده، پایان امسال است که اعتبار آنها تا پایان سال ۱۴۰۵ تمدید شده است. این تمدید اعتبار به‌منظور تسهیل خدمات عمومی و کاهش مراجعات غیرضروری شهروندان به پیشخوان دولت انجام شده و نیازی به تعویض این کارت‌ها نیست.

بازگشت استادان ایرانی به کشور

حسین سیمایی صراف، وزیر علوم: ما زمینه‌های بازگشت استادانی را که به خارج رفته و برای بازگشت اظهار تمایل کرده‌اند، تسهیل کرده‌ایم و خودمان دنبال این هستیم که انگیزه کافی ایجاد و زمینه‌های جذب آنها را آسان کنیم تا دانشگاه‌های ما از سرمایه‌های خودمان برخوردار باشند.

یادداشت | **فهیمه طباطبایی**، روزنامه‌نگار

پز بی‌موقع آقای بازیگر

تولد همسر محمدرضا گلزار با یک لندرور دیفندر اکتا جشن گرفته شد؛ خبری که خود گلزار با افتخار در اینستاگرامش منتشر کرد و حالا در بیشتر پیج‌های خبری و صفحات پربازدید ترند شده است. هر انسانی برای استفاده از مال و اموال خود آزاد است و کسی نمی‌تواند برای دیگری در مورد خرید یک خودرو خط و نشان بکشد، اما باید قبول کرد که میان داشتن ثروت و به‌رخ‌کشیدن آن از زمین تا آسمان فرق است.

شاید بهتر است بگوییم که در «پزها»ی سریالی محمدرضا گلزار که چند وقت پیش هم نام او را با هشتگ انتقادی «پز نیست، سبک زندگیمه» گره زد، بحث اصلی تجمل نیست، بلکه موضوع همان فاصله سطح زندگی یک سلبریتی با مردم عادی است.

در روزگاری که عده‌ای از مردم شب و روز خود را به گرانی و تورم دوخته‌اند و برخی با شرمندگی از فرزندانشان روزگار خود را سپری می‌کنند جای سؤال دارد که چرا یک سلبریتی تصمیم می‌گیرد برای خرید لندرور دیفندر اکتا که بین ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار دلار، یعنی نزدیک به ۱۲ میلیارد تومان قیمت‌گذاری شده است، جشن عمومی بگیرد. این کار فقط نشان دادن یک هدیه نیست، اعلام بی‌تفاوتی به حال عمومی جامعه است.

نخستین بار نیست که گلزار با این رفتار مرزی میان خود و مردم می‌کشد. درست یک ماه پیش بود که محمدرضا گلزار، بازیگر سینما عکسی از خود با کیف، کفش، عینک، ساعت و لباس برند در صندلی عقب خودروی لوکس خارجی در اینستاگرام منتشر کرد و در شرح آن نوشت: «پز نیست، سبک زندگیمه.» این عکس و شرح آن خیلی سریع در شبکه‌های اجتماعی فراگیر و نظرات طنزآلود و منفی زیادی حول محور آن مطرح شد. در واقع این پست جنجالی سرآغاز بحثی طولانی در حوزه تجمل‌گرایی و فخرفروشی یا همان پز دادن شد.

مرور این قبیل رفتارها نشان می‌دهد که بحث بر سر خرید یک هدیه خاص نیست، موضوع بر سر درک نکردن موقعیت است. به آقای بازیگر باید هشدار داد که چنین رفتارهایی به‌سرعت جامعه را از او بیزار خواهد کرد، چراکه همراه بودن با مردم کیلومترها با این قبیل فخرفروشی‌ها فاصله دارد.

اینکه گلزار در چنین شرایطی ترجیح می‌دهد هدیه میلیاردی و کادوپیچ‌شده‌اش را در معرض دید عموم بگذارد نشان می‌دهد که او نه‌فقط از مردم جدا شده، بلکه از فهم زمانه هم عقب مانده است.

لایه‌های پنهان یک قتل

پرونده قتل الهه حسین‌نژاد، بار دیگر موجب انتقاد جامعه‌شناسان از تحلیل‌های کلیشه‌ای و تک علتی شد

گزارش | **لیلا شریف**، روزنامه‌نگار

شناسایی و بازداشت قاتل الهه حسین‌نژاد، دختر جوانی که در ۱۰ روز گذشته نامش در شبکه‌های اجتماعی ترند شده بود، واکنش‌های گسترده‌ای در فضای عمومی و شبکه‌های اجتماعی رقم زد. برخی تحلیل‌های خود را با جدایی قاتل از همسرش گره زدند و برخی نیز قصد پررنگ کردن قومیت قاتل را داشتند که به‌دلیل انتقاد سریع کاربران، این تحلیل در نطفه خاموش شد. در این میان کم نبودند افرادی که باز هم یک عامل تک‌بعدی یعنی فقر را دلیل این جنایت معرفی کردند؛ موضوعی که از نگاه جامعه‌شناسی شاید به آسیب‌های اجتماعی ضریب بدهد اما تنها عامل نیست.

اشتباهی که تکرار می‌شود

در سال‌های اخیر هر پرونده قتلی که حساسیت افکار عمومی را برمی‌انگیزد، در یک مسیر اشتباه با تحلیل‌های سطحی روبه‌رو می‌شود. در بسیاری از مواقع کاربران شناخته‌شده در شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت در قامت تحلیلگر وارد میدان می‌شوند و بدون داشتن اشراف کامل بر حادثه و حتی تخصص لازم برای تحلیل آسیب‌های اجتماعی، دست به تحلیل می‌زنند. در رابطه با پرونده الهه حسین‌نژاد که از همان لحظه اول، افکار عمومی دست به مطالبه‌گری برای دستگیری قاتل زده بود، شاهد تکرار تحلیل‌های اشتباه بودیم تا باردیگر اهل فن این نکته را یادآوری کنند که هیچ اتفاقی تک‌بعدی نیست.

اختلاف‌نظر بر سر روایت‌های تک‌علتی

آنچه پرونده الهه حسین‌نژاد را در جایگاهی متفاوت از نظر جامعه‌شناسی قرار داد، میزان حساسیت افکار عمومی به این پرونده و تحلیل‌های مختلف است. هرچند در موضوع لزوم دستگیری فوری قاتل، یک اتحاد نانوشته میان مردم ایجاد شد، هنگام تحلیل و بررسی شرایط، نگاه‌های مختلفی شکل گرفت که به محلی برای بحث و گفت‌وگو تبدیل شد. در این روزها کم نبودند کاربرانی که فقر را به‌عنوان عامل اصلی این پرونده معرفی کردند و برخی کاربران شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) با نوشتن کامنت‌هایی در مخالفت با این نگاه صحبت کردند. مانند حداد که نوشت: «کسی که الهه حسین‌نژاد را کشت، قاتل بود نه فقیر! هر فردی که اسم فقر رو میاره برای توجیه این جنایت‌ها، داره عقل مردم را لجن‌مال می‌کنه.» یا کاربر دیگری نوشت: «این قبیل آدما مفت‌بر هستند نه فقیر، الان همین قاتل موبایل رو ۳میلیون فروخته، پس همه‌چیز رو فقط به فقر ربط ندید.»

باید از تحلیل تک‌بعدی آسیب‌های اجتماعی پرهیز کرد

مکث

امان‌الله قرائی‌مقدم، جامعه‌شناس: براساس تئوری میدان زندگی یا فضای حیاتی که کورت لوین مطرح کرد، باید گفت که هر آسیب اجتماعی از طلاق و دزدی گرفته تا قتل و غارت، ریشه در عوامل مختلفی دارد. ده‌ها عامل همچون خانواده، دوستان، محل زندگی، اعتقادات دینی، تحصیلات، اشتغال، باورها و ارزش‌های فرهنگی اثرگذار هستند. ضعف در هر یک از این عوامل، موجب می‌شود که فرد به انواع آسیب‌های اجتماعی بپردازد و در مقابل اگر همین عوامل درست اجرا شوند، عامل بازدارنده مناسبی هستند. بنابراین داشتن نگاه یک‌بعدی یا همان تک‌علتی به حوادث مختلف از جمله پرونده الهه حسین‌نژاد اشتباه است، چون در این صورت علاوه بر شکاف اجتماعی ناشی از نگاه قومیت‌زده، به شکل ناخواسته این مجوز صادر می‌شود که افراد به‌دلیل فقر می‌توانند دست به قتل بزنند. در این میان نباید فراموش کرد که فقر می‌تواند بروز آسیب‌های اجتماعی را تشدید کند اما کشتن یک انسان تنها با موضوع فقر مرتبط نیست بلکه دسته‌ای از عوامل نقش دارند. باید گفت که از نظر جامعه‌شناسی، پدیده‌های اجتماعی تام هستند نه تک‌علتی؛ به کسانی که مغرضانه صحبت می‌کنند باید گفت که از تحلیل‌های سطحی دست بردارند. هیچ پدیده اجتماعی فطری و ذاتی نیست بلکه عوامل متعدد اجتماعی اثرگذار هستند.

صفحه‌آرا: مجید اصغری

داده‌نما

حضور میلیونی زائران در حج

موسم حج که می‌رسد، عاشقان از سراسر جهان خود را به جوار خانه خدا می‌رسانند تا در یک مناسک جمعی، بار دیگر روح خود را جلا بدهند. براساس آخرین اطلاعاتی که از سوی وزارت حج عربستان منتشر شده است، باید گفت که امسال هم نزدیک به یک میلیون و ۵۰۰هزار زائر از خارج از مرزهای عربستان به مکه آمدند و لباس احرام بر تن کردند.

> تتوآرتیستی می‌گوید: «قیمت تتوهای سبک و مینیمال از یک میلیون تومن شروع می‌شه. تتوهای ترکیبی قیمت پایه از ۵میلیون تومن دارن. تتوهای رئال و هایپررئال هم که تکلیفشون روشنه از ۵۰میلیون تومن قیمت‌گذاری شدن. اجرا روی قسمتای حساس بدن مثل گردن و پهلو که رشته‌های عصبی و خونی متراکم دارن و البته پرکار و زمان‌بر بودن طرح، قیمتا رو افزایش می‌ده.»

اسارت در مد

درباره کاسبی سیاه تتوآرتیست‌هایی که به تن جماعت، جوهر می‌کوبند

گزارش | **سحر جعفریان عصر**، روزنامه‌نگار

وسط سالن‌های لوکس یا کنج خانه‌هایی پرت و یا حتی ته‌زیرزمین‌هایی نیمه تاریک، روی تخت‌های چرمی چندتکه تتوزنی ساعت‌ها ولو می‌شوند. خاطرشان جمع و خوش است؛ شاید به‌قدر ده‌ها میلیون تومانی که جیرینگی هزینه می‌کنند یا به اعتبار آنها که پیش‌تر دستی در نقاشی داشتند و حالا از قضا تتوآرتیست‌های نام‌ونشان‌داری‌اند و تن و بدن خیلی از سلبریتی‌های اسمی را آرایش دائم می‌کنند.

برای آنها چه مشتری باشند و چه مجری، تتو اهمیتی ندارد جناب اوتِسی (کهن‌ترین مومیایی طبیعی کشف‌شده) یخی با کوباندن ۶۱خط و خال، جزو نخستین‌های تتو کرده جهان است یا از دولتی سر یکی مثل کاپیتان جیمز کوک (دریانورد انگلیسی) کاشف جزیره تاهیتی (نزدیک‌ترین خشکی بزرگ به استرالیا) است که رسم خالکوبی بومیان آن روال شده، یا حتی رکورد گینس برای زدن بیشترین تتوی بدن به آقای لاکی دایمندریچ نیوزیلندی که کلی پیگمنت و سوسپانسیون (ترکیبات اصلی رنگ تتو) زیر لایه‌های میانی پوستش جای داده، تعلق دارد. برای آنها که سکه‌های بسیار به بازار تتوزنی می‌چرخانند، فقط طرح از تِکست‌های مفهومی و مینیمال‌های معناگرا تا پرتره‌های هایپررئال و نیز سود از تومان تا دلار مهم است.

میراث‌داران «رفیق بی‌کلک، مادر»

موزیک، شلوغ است و بَک‌وکالِ صدای تتوآرتیست معروف که دنبال‌کنندگانش در فضای مجازی به بیش از ۲میلیون می‌رسد: «حالا هی برید پیش ممد تتوکار یا شهره تتوزن محلتون و اونا هم هی با رنگای سربی و طرح‌های کج و معوج که آدمو یاد دوره «رفیق بی‌کلک، مادر» و «سلطان رنج، پدر» می‌اندازن، تنتون رو مورد التفات قرار میدن... بعد با چشم گریون نیایید بگید دستم به دامنت اینو یه‌جور کاورش کن... اگه پول زیاد می‌گیرم از تون، کار گرون هم تحویل می‌دم بهتون...» این محتوای پست اخیر آقای تتوآرتیست پرآوازه است که چند طرح دارک، فول کالر و ژاپنی در کپشن آن پیشنهاد شده است. پستی با هزاران لایک و صدها کامنت این‌چنینی: «سلام سلطان یه طرح پرجزئیات برای یه پا کامل چند درمیاد؟»، «قیمت‌گذاری‌تون سانتیه یا ساعتی؟»، «استاد بی‌نظیری»، «سخت‌ترین جای بدن برای تتوزنی کجاست؟»، «تتو در منزل هم دارید؟» و پرتکرارترین‌شان بعد از قیمت‌گیری: «ازهزینه دوره‌های آموزشی‌تون هم پست بذارید.»

تتوزنی هایپررئال‌های دلاری

روال برای مشاوره و نوبت‌گرفتن از یکی از تتوآرتیست‌های مشهور که انگشت‌شمارند، این است که ابتدا باید ارتباط تلفنی برقرار و بعد حضوری مراجعه کرد: «تا حالا تتو انجام دادی؟ رنگ و جنس پوستت چیه؟ سیگار، مخدر یا مشروبات الکلی مصرف داری؟ بیماری خاصی داری؟ کدوم قسمت رو برای تتو درنظر گرفتی؟ طرح داری یا می‌خوای که ما برات سفارشی طراحی کنیم؟» یکی از هفت خوان تشریفات سوزن و رنگ‌زنی تتوآرتیست‌های مشهور است و سخت‌ترین‌شان، پرداخت هزینه‌های گزاف و تحمل درد در طول مدت اجراست: «قیمت تتوهای سبک و مینیمال از یه میلیون‌تومن شروع می‌شه. تتوهای ترکیبی قیمت پایه از ۵میلیون‌تومن دارن. تتوهای رئال و هایپررئال هم که تکلیفشون روشنه و از ۵۰میلیون‌تومن قیمت‌گذاری شدن. اجرا روی قسمتای حساس بدن مثل گردن و پهلو که رشته‌های عصبی و خونی متراکم دارن و البته پرکار و زمان‌بر بودن طرح، قیمتا رو افزایش می‌ده.» این قیمت‌ها، دلاری هم می‌شوند اگر خود تتوآرتیست‌ها که به دریافت گواهینامه‌های جورواجور خالکوبی می‌نازند، طرح تتو را وی‌آی‌پی و سفارشی طراحی کنند:

«هنرجو به شرط داشتن مارکتینگ مرتبط در فضای مجازی و فالوئر بالای ۱۰۰کا (هزار) پذیرفته می‌شه. دوره ۱۰ساعته مقدماتی (آشنایی با تجهیزات و ترکیب رنگ) و دوره ۱۰ساعته پیشرفته (تکنیک‌ها و سبک‌های اجرا) از ۳۰تا ۸۰میلیون‌تومن.»

بدون تابلو ولی با فیس و افاده

«چه دنگ و فنگی؟ فیس و افاده کجا بود؟ اینا همه تجهیزات تخصصیه... همین تفنگ تتو(گان، پن و کویل)، رنگ‌های گیاهی، سوزنای شکلی و شماره‌ای رو ببین یا این کاغذ استنسیل (کاغذ کپی طرح) و محلول الکتروم (انتقال‌دهنده طرح)؛ هر کدومشون نباشن یه جای تتو می‌لنگه.» استند دست را کنار تخت تتو می‌گذارد: «دستتو از بازو بذار روی استند. تکون نخور که وقت شیدینگه (سایه‌زنی).» سوزن گرد و پهن (ویژه سایه‌زنی‌های روشن) به دستگاه وصل می‌کند: «پدرام‌جان، لطفا یه فیلم از این تکنیک که اجرا می‌کنم بگیر....» پدرام کم سن و سال است با دست و صورتی رنگی از تتوهای پیچیده که این‌ور و آن‌ور رفتنش در سالن جلوی چشم مشتریان، کم از شوی نمونه‌کار ندارد. با دوربینی حرفه‌ای پیش می‌آید و ضبط می‌کند: «خب دوستای گلم... اینم یه شیدینگ تر و تمیز... به جزئیات اجرا دقت کنید. این جلسه سوم از تتوی مشتری عزیزمونه که تا چند ساعت دیگه فاینالش رو می‌بینید.» طرح نقش‌بسته بر بازوی عریض مشتری شکل و شمایلی ۳بعدی از ببری خشمگین دارد که بی‌چک و چانه ۱۵۰میلیون تومان آب خورده است. با آنکه تابلویی سر در این سالن بزرگ و پر آمد و شد تتو دیده نمی‌شود، اما نشانش در فضای مجازی بسیار است.

> تتوآرتیست گاهی از نزدیک نگاه به کاغذ طرح، گاهی از دور چشم به بوم نقاشی خود یا همان پای موتراشیده مشتری می‌اندازد. جدی است و عادت دارد با به‌کار بردن اصطلاحات دهان‌پرکن فرنگی از نئوترادیشنال تا واترکالر کارش را رسمیت ببخشد

تماشای گزارش

بونژور، مسیو تتوآرتیست

۱۶ساعت گذشته و تازه کمی از طرح هایپررئال که نمایی از شخصیتی دارد، روی پای مشتری نقش بسته. تتوآرتیست گاهی از نزدیک، نگاه به کاغذ طرح، گاهی از دور، چشم به بوم نقاشی خود یا همان پای موتراشیده مشتری می‌اندازد. جدی است و عادت دارد با به‌کار بردن اصطلاحات دهان‌پرکن فرنگی از نئوترادیشنال تا واترکالر کارش را رسمیت ببخشد. نشان به آن نشان که در کپشن یکی از پست‌های تبلیغاتی‌اش نوشته: «اونقدر رئاله که فکر می‌کنی عکسه، ولی این یه اثر هنریه؛ مثل تابلوی میلیارد دلاری «بونژور (سلام) موسیو که شاهکاری از گوستاوکوربه فرانسوی و پیشروی رئالیسم در نقاشیه.» تتوزنی به ساق و مچ پای مشتری که می‌رسد درد قوت می‌گیرد: «تو رو خدا بی‌حسی رو شارژ کن.» تتوآرتیستِ جدی، بی‌اعتنا در می‌آید: «الان بی‌حسی بزنم پذیرش رنگ میاد پایین. بعد میای یقه منو پاره می‌کنی که چرا تاتوت به‌جای هیلد شدن از رنگ‌ریزی پاک شده؛ پس تحمل کن و هی هم نخارون. برسم به بخشای نولاینینگ (بدون خط) دردت کمتر میشه.» کار کاشت رنگ‌دانه‌های رقیق‌شده با سولوشن به زیر پوست مشتری دردمند بازهم می‌ماند برای جلسه‌ای دیگر؛ امتدادی پر هزینه و دردآلود که این مشتری و باقی مشتریان ناگزیرند از آن.